

بررسی تاثیر قاچاق بر بیکاری

سمانه طریقی^۱

پروفسور، گروه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه علوم و تحقیقات:

چکیده

تلاش جهت کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال، همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران اقتصادی بوده است. هر چند عوامل موثر در ایجاد و رشد بیکاری متعدد و در نقاط مختلف جهان می‌تواند متفاوت باشد، اما برخی از اقتصاددانان معتقدند در شرایط فعلی اقتصاد ایران، قاچاق می‌تواند عامل مهمی در افزایش نرخ بیکاری، به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های کلان اقتصادی، باشد. رابطه قاچاق و بیکاری می‌تواند یک رابطه دوسویه باشد، اما آنچه در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته، بررسی اثرات قاچاق بر بیکاری و پاسخ به این سوال‌ها است که نحوه اثرگذاری قاچاق بر بیکاری چیست و راه‌حل‌های کایردی جهت کاهش این مهم کدام است.

در ساده‌ترین تحلیل، قاچاق با تهدید فرصت‌های شغلی موجود و نیز از طریق تضعیف و در نهایت از بین بردن بسترهای موجود برای فعالیت‌های اقتصادی، نه تنها انگیزه و امکان ایجاد بستر مناسب برای فرصت‌های شغلی جدید در آینده را سلب می‌کند، بلکه می‌تواند مشاغل و فعالیت‌های اقتصادی موجود را نیز از بین برده و بازار کار و نرخ بیکاری را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. مطالعه پیش رو توصیفی و از نوع کاربردی است که ضمن بررسی اثرات قاچاق بر بیکاری، به ارائه راهکارهای عملیاتی جهت کاهش نرخ قاچاق و به تبع آن کاهش نرخ بیکاری پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد زیرزمینی، قاچاق، جرم اقتصادی، بیکاری و اشتغال.

۱. مقدمه و بیان مسئله

کمر اقتصاد را می‌شناسیم که طی سال‌های متوالی نرخ رشد نقدینگی دو رقمی و حدود ۳۰ درصد، نرخ تورم دو رقمی و بالای ۲۰ درصد، نرخ رشد بیکاری بالای ۱۰ درصد و نرخ رشد اقتصادی کمتر از ۳ درصد و حتی در مواردی منفی را تجربه کرده باشد. اقتصاد ایران سال‌هاست که دارای مشکلات ساختاری متعددی هم‌چون نبود فضای کسب و کار مناسب در کشور، وجود بوروکراسی و قوانین دست و پا گیر در سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، عدم امنیت سرمایه‌گذاری، دخالت و تصدی‌گری دولت در اقتصاد و ... است و هر از چند گاهی نیز با مسئله‌ی تازه‌ای هم‌چون تشدید تحریم‌ها، افت قیمت نفت، رکود بی‌سابقه و ... مواجه می‌گردد. این درحالیست که اقتصاد ایران به واسطه‌ی انزوا و سهم ناچیزی که در اقتصاد جهان دارد، آن‌طور که گفته شده و یا بزرگنمایی می‌شود متأثر از همه‌ی مشکلات اقتصاد جهان نیست. با قبول این مهم که طی سال‌های اخیر شدت تحریم‌ها فشار موجود بر اقتصاد را تشدید کرد و دشمنان جمهوری اسلامی ایران از طریق جنگ نرم و از هر ابزاری برای هدف قرار دادن اقتصاد ایران استفاده کردند، اما نابسامان بودن شرایط اقتصاد ایران و مستعد بودن برای آسیب‌پذیری بیشتر منجر به این شد که در تجارت داخلی و خارجی مشکلات جدی ایجاد شود، حجم محصول ناخالص داخلی به شدت کاهش یابد، حجم اقتصاد غیررسمی (اقتصاد زیرزمینی) افزایش یابد، پدیده قاچاق فربه‌تر گردد و مشکلات دیگر، اقتصاد ایران را شکننده‌تر از قبل کنند. نکته قابل تأمل اینست که بخش قابل توجهی از این معضلات عمدتاً نتیجه‌ی بی‌توجهی‌ها و یا سیاست‌های اقتصادی بوده که در درون اقتصاد ایران اتخاذ شده است.

اکنون اقتصاد ایران ضمن همراه داشتن تمام مشکلات قبلی دچار رکود بی‌سابقه‌ای شده است که تا کنون هیچ‌یک از بازارهای جانشین در اقتصاد نتوانستند به درستی به عنوان موتور محرک اقتصاد عمل کنند. رکود در تعریف اقتصادی به دو دوره سه ماهه پیاپی رشد منفی در اقتصاد یک کشور اطلاق می‌شود. دوره‌ای که کاهش معنی‌دار در

چهار عامل تولید، درآمد، اشتغال و تجارت ایجاد شود. این دوره معمولاً بین ۶ ماه تا یک سال است (تیزهوش تابان، ۱۳۸۲: ۴). لذا طبق این تعریف، رکود به معنای کاهش تولید رشد تولید ناخالص داخلی واقعی، مدت هاست که بر اقتصاد ایران مسلط شده است. اقتصاددانان عوامل مختلفی را به عنوان عوامل ایجاد رکود و تداوم آن تبیین می‌کنند و بسیاری معتقدند که در میان این عوامل و در شرایط فعلی اقتصاد ایران، چالش نه چندان جدید "قاچاق" به عنوان یکی از مهمترین فاکتورهای تداوم رکود فعلی است. با تأیید این ادعا که یکی از مهمترین حوزه‌هایی که قاچاق آن را متاثر می‌کند حوزه اقتصاد و یکی از پیامدهای مهم قاچاق در حوزه اقتصاد افزایش نرخ بیکاری است، اما باید بپذیریم که اقتصاد زیرزمینی و به خصوص قاچاق پیامد قطعی سیاست‌های نادرست اقتصادی طی سال‌های قبل و شرایط نابسامان فعلی اقتصاد ایران است. هر چند در بیشتر موارد به مطالعه و بررسی تأثیر قاچاق بر بیکاری می‌پردازیم اما نباید از این مهم غافل شویم که در شرایط بد اقتصادی یکی از راه‌های گریز و نیز یکی از عکس‌العمل‌های طبیعی مردم روی آوردن به فعالیت‌های زیرزمینی، پنهان و قاچاق است. به عبارت دیگر پدیده‌ای را که علت تداوم رکود فعلی و افزایش نرخ بیکاری می‌دانیم خود معلول شرایط اقتصاد ایران است.

۱.۱. تصویری از اقتصاد ایران

<p>*رشد اقتصادی</p> <p>بر اساس داده‌های مرکز آمار رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۴ معادل ۱ درصد و رشد آن بدون یخس نفت، ۰٫۹ درصد است.</p>	<p>*اقتصاد ایران</p> <p>اقتصاد ایران که پس از ۸ فصل انقباض، از بهار سال ۱۳۹۳ در حال خروج از رکود بود می‌رفت تا در مسیر رشد قرار گیرد، اما متأسفانه از پاییز این سال با شروع روند کاهنده قیمت نفت، با شوک منفی معناداری مواجه و با مجدداً با چالش روبه‌رو شد.</p>
<p>*رکود بخش مسکن</p> <p>رکود بخش مسکن و کاهش هزینه‌های عمرانی</p>	<p>*سهم نفت ایران</p> <p>ایران برای کسب سهمی بزرگتر از بازار نفت،</p>

صادرات تفت خام را در تابستان و پاییز ۱۳۹۴ با بیش از ۱۲ درصد رشد نسبت به مدت مشابه سال قبل به حدود یک میلیون و ۵۵۰ هزار بشکه در روز رساند اما افزایش عرضه ایران با کاهش شدیدتر قیمت نفت همراه بود.	دولت موجب شد که در بین زیرگروه های صنعت، بخش ساختمان با کاهش ۱۶,۴ درصدی ارزش افزوده، شدیدترین افت را طی این سال تجربه کند.
*افت بخش صنعتی آمار بانک مرکزی از افت ۹,۱ درصدی شاخص تولید کارگاه های بزرگ صنعتی طی ۹ ماهه ابتدایی سال ۱۳۹۴ حکایت دارد.	*بیکاری در سال ۱۳۹۴ اگر چه به طور خالص بیش از ۶۶۴ هزار نفر بر تعداد شاغلان کشور افزوده شد، به دلیل افزایش ۸۸۳ هزار نفر به جمعیت فعال، نرخ بیکاری نسبت به قبل افزایش یافته و به ۱۱ درصد رسیده است.
*رشد کسری بودجه منابع حاصل از فروش نفت و فراورده های نفتی در ۱۱ ماهه نخست ۱۳۹۴ نسبت به مدت مشابه ۱۳۹۳ حدود ۱۰ درصد کاهش یافت تا به رغم کاهش ۶,۱۶ درصدی پرداخت های عمرانی در همین مدت، کسری بودجه رشدی ۶,۱۱۵ درصدی را تجربه کند.	*خصوصی سازی واگذاری سهام شرکت های دولتی در ۹ ماهه نخست ۱۳۹۴ با کاهشی ۲۷,۷ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن مواجه شد. تنها ۱,۹ درصد از کل واگذاری ها در سال ۱۳۹۴ انجام شده است.
*تراز تجاری در ۹ ماهه نخست ۱۳۹۴ تراز حساب جاری با کاهش ۴۱ درصدی نسبت به دوره مشابه سال قبل از آن روبه رو شد که دلیل اصلی آن کاهش شدیدتر کاهش صادرات تسبب به کاهش واردات کالا بود.	*افزایش نقدینگی حجم نقدینگی در پایان سال ۱۳۹۴ با ۳۰ درصد افزایش نسبت به پایان سال ۱۳۹۳، به ۱۰,۱۷۱ هزار میلیارد ریال رسید.

منبع: مرکز آمار ایران، بانک مرکزی، فصلنامه تجارت فردا

تمام موارد عنوان شده نشانه های یک اقتصاد نامتعادل است که این عدم تعادل هم یک آسیب است و هم زمینه را برای آسیب پذیری بیشتر مهیا می کند. در چنین اقتصادی گسترش پدیده قاچاق، نه تنها دور از انتظار نیست بلکه نتیجه ی چنین اقتصادی بیش از این نخواهد بود. گسترش اقتصاد زیرزمینی و قاچاق نتیجه ی قطعی و مسلم اتخاذ سیاست های نادرست و غیر اقتصادی است.

فارغ از اینکه طی سال های اخیر اغلب شاخص های کلان اقتصادی وضعیت مطلوبی نداشته اند، اما در میان همه ی آن ها دو شاخص اقتصادی که متأثر از تصمیم ها و سیاست های نادرست اقتصادی است، وضعیت نامطلوبتر و ناخوشایندتری را از اقتصاد ایران نمایش داده است. آن دو شاخص بیکاری و قاچاق است که به اعتقاد برخی اقتصاددانان می توانند یک ارتباط دوسویه و علت و معلولی با یکدیگر داشته باشند. هر چند به لحاظ چند وجهی بودن پدیده قاچاق، تاثیرات منفی آن نیز چندجانبه و در حوزه های مختلف است، اما بدترین عوارض این پدیده به حوزه اقتصاد بازمی گردد.

براساس آمارهای اعلام شده حجم قاچاق در سال ۱۳۹۴ بالغ بر پانزده و نیم میلیارد دلار بوده است که از طریق اقدامات کنترلی و مقابله ای سازمان های ذیربط تنها ۱۰ درصد آن ها کشف شده است، هر چند این میزان نسبت به سال های گذشته کاهش یافته (۲۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۲ و ۱۹,۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۳) اما همچنان در اقتصاد ایران رقم بالایی است.

برآورد حجم قاچاق طی سال های ۱۳۹۳-۱۳۹۴ (میلیارد دلار)

نوع قاچاق	سال ۱۳۹۳	سال ۱۳۹۴	درصد تغییرات
قاچاق ورودی	۱۵,۷	۱۴,۵	۷,۶-
قاچاق خروجی	۴,۱	۱,۰	۷۵,۶-
کل قاچاق	۱۹,۸	۱۵,۵	۲۱,۷-

(ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۵)

این درحالیست که بر اساس اعلام سازمان بین المللی کار، به ازای هر یک میلیارد دلار قاچاق حدود صد هزار فرصت شغلی از بین می رود (سازمان بین المللی کار،

۲۰۱۶). بنابراین ارتباط معنی داری میان حجم قاچاق و از بین رفتن فرصت های شغلی و افزایش بیکاری وجود دارد. در یک اقتصاد متعادل که تعداد و حجم مشکلات اقتصادی آن کمتر از شرایط فعلی اقتصاد ایران است، پدیده قاچاق به عنوان یکی از مهمترین عوامل موثر بر تشدید مشکلات بازار کار و افزایش بیکاری، اثرات مخربی بر اقتصاد خواهد داشت، لذا در اقتصادی همچون اقتصاد ایران، این اثرات نامطلوب با وزن بیشتر و ضریب تأثیر بالاتر نمود خواهد یافت.

عدم موفقیت در مبارزه با قاچاق و کاهش بیکاری ناشی از قاچاق نه به این دلیل است که روش و راه حل مقابله با آن را نمی دانیم، بلکه شاید به این دلیل است که هنوز آثار تخریبی قاچاق را بر اقتصاد و بی اثر کردن سیاست های پولی، مالی و ارزی جدی قلمداد نکرده ایم و هنوز رویکرد و نگاه علمی به اقتصاد نداریم، چرا که یادمان نرفته است که اقتصاد ایران سالها بود که رویای تحقق تورم تک رقمی را داشت درحالیکه مدت هاست که هیچ کشوری به دنبال راه حل کاهش تورم نیست چرا که تئوری های اقتصادی راه درمان تورم را طی دهه های گذشته ارائه کرده اند و موفقیت در کاهش نرخ تورم مستلزم استفاده از اصول علم اقتصاد و نگاه علمی به این حوزه است. شاهد این ادعا عملکرد دولت یازدهم است که خوشبختانه توانست با نگرش علمی و اتخاذ سیاست های درست اقتصادی و با رعایت انضباط مالی و انضباط پولی بالاخره این رویای چند ساله را محقق نماید و نرخ تورم را تک رقمی کند.

با توجه به سیاست های کلی کشور در مورد فراهم نمودن شرایط مناسب برای فعالیت های اقتصادی سالم و شفاف و در نظر گرفتن این مهم که اکنون در شرایط پسا تحریم به سر می بریم و سعی داریم با ترمیم اقتصاد ایران در مسیری که باید از سال ها پیش در آن حرکت می کردیم (حرکت به سمت جهانی شدن اقتصاد ایران و پیوستن به سازمان تجارت جهانی) اکنون آغاز به حرکت کنیم، قطعاً با این حجم گسترده قاچاق و نرخ بیکاری که به تبع آن هر روز در حال افزایش است، نه

می‌توانیم شرایط داخلی را سامان ببخشیم و نه می‌توانیم با سایر اقتصادها در جهان رقابت کنیم. لذا هر چند انتظار داریم که با کاهش درآمدهای نفتی کشور نسبت به سال‌های گذشته و نیز تعدیل محدودیت‌های بانکی، بیمه‌ای، حمل و نقل و ... از حجم واردات غیررسمی و قاچاق کاسته شود اما نکته مهمتر در مهار قاچاق و کاهش بیکاری حاصل از آن، به کارگیری سیاست‌های درست اقتصادی و فراهم کردن بستر مناسب اقتصادی به جای نگاه انتزاعی و صرفاً دستوری به این مهم است.

با توجه به حجم گسترده قاچاق و تأثیرات مخرب آن بر بازار کار و بیکاری، در این مطالعه قصد داریم با اتکا به مبانی نظری و ادبیات موجود در این زمینه، به بررسی اثر قاچاق بر بیکاری پردازیم. ابتدا مبانی نظری اقتصاد زیرزمینی، قاچاق و بیکاری را ارائه می‌دهیم، سپس وضعیت بازار کار، نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری را تبیین نموده و پس از آن مهمترین عوامل اقتصادی ایجاد و تشدید قاچاق را مطرح می‌کنیم. سپس اثرات مستقیم و غیرمستقیم قاچاق بر بیکاری را بررسی نموده و دیدگاه‌های مختلف درباره اثر بیکاری بر قاچاق را ارائه می‌دهیم و در نهایت به تبیین راهکارها و راهبردها می‌پردازیم.

۲. مبانی نظری اقتصاد زیرزمینی

در همه‌ی اقتصادها اعم از توسعه‌یافته و یا در حال توسعه، برخی فعالیت‌ها وجود دارند که به دلیل نوع فعالیت و یا محدودیت‌های قانون، پنهان می‌مانند. این فعالیت‌ها در تمامی کشورهای جهان با شدت و ضعف متفاوت وجود دارد و گستردگی آن وابسته به شرایط آن اقتصاد است. این فعالیت‌های غیرقابل مشاهده تحت نام‌های مختلفی معرفی می‌شوند که عبارتند از:

جدول ۱. اسامی مختلف اقتصاد زیرزمینی

Shadow economy	اقتصاد سایه	Informal sector	بخش غیر رسمی
Invisible economy	اقتصاد غیر قابل مشاهده	Hidden economy	اقتصاد پنهان
Underground economy	اقتصاد زیرزمینی	Illegal sector	بخش غیر قانونی
Non registered economy	اقتصاد ثبت نشده	Second economy	اقتصاد دوم
Household economy	اقتصاد خانوار	Neighborhood economy	اقتصاد همجوار
Irregular economy	اقتصاد بی قاعده	Subterranean economy	اقتصاد نهایی
Autohouse economy	بخش مستقل	Self-help sector	بخش خود خدمتی

غفاری، فرهاد ۱۳۹۲.

در یک اقتصاد سالم تمامی فعالیت‌های اقتصادی ثبت می‌شود، اما دسته‌ای از فعالان اقتصادی مایل به ثبت فعالیت‌های خود نیستند و لذا موجبات شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی را فراهم می‌کنند که نه تنها نظام اطلاعات اقتصادی کشور را مختل کرده و تصمیم‌گیری اقتصادی را با مشکل مواجه می‌کند بلکه موجب می‌شوند سیاست‌گذاری‌ها کارایی خود را از دست بدهند (رحمانی، ۱۳۹۰: ۱۱). به عبارت دیگر در یک نظام تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاران بر اساس یک نظام اطلاعاتی حاوی شاخص‌های آماری تصمیم‌گیری می‌کنند. اگر نظام اطلاعاتی تحت تاثیر اقتصاد زیرزمینی باشد، سیاست‌گذاری‌ها نیز نتایج مورد انتظار را نخواهند داشت، زیرا از طرفی منابع و از طرف دیگر نتایج با خطا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (سامتی، ۱۳۸۸: ۱۳).

در شرایط فعلی اقتصاد ایران، حجم اقتصاد زیرزمینی در کشور نسبت به تولید ناخالص داخلی بالاست که در جدول زیر این حجم در سال‌های مختلف ارائه می‌گردد.

جدول ۲. حجم اقتصاد غیررسمی به تولی‌ناخالص داخلی

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۱	۱۳۶۸	۱۳۷۳	۱۳۷۹	۱۳۸۰
درصد	۱۲/۴	۹/۵	۹/۷	۷/۳	۱۴/۵	۱۵/۹
سال	۱۳۸۳	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
درصد	۱۴/۵	۱۹/۶	۱۵/۴	۱۵/۱	۱۷/۵	۲۱/۲

(بانک مرکزی، ۱۳۹۱)

۲.۱. تعاریف مختلف از اقتصاد زیرزمینی

یکی از نکات مهمی که باید در مورد اقتصاد زیرزمینی مورد توجه قرار گیرد این است که هیچ تعریف جامعی که همه ی پژوهشگران در خصوص آن اتفاق نظر داشته باشند در مورد اقتصاد زیرزمینی وجود ندارد و حتی این عدم اجماع در نامگذاری این پدیده نیز ملاحظه گردید. شاید این دشواری در تعریف اقتصاد زیرزمینی ناشی از طبیعت متفاوت فعالیت‌های اقتصادی مربوط به آن است. در ادبیات اقتصاد برای مفهوم اقتصاد زیرزمینی تعاریف مختلفی وجود دارد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

تعریف اشنايدر و ديگران (۲۰۱۰): اشنايدر و ديگران، برای اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد غیررسمی خانگی و اقتصاد سایه تعاریف جداگانه ای وجود دارد. اقتصاد زیرزمینی شامل همه ی فعالیت‌های غیرقانونی و جرائم سنتی مانند سرقت، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی است، اقتصاد غیررسمی خانگی شامل همه ی فعالیت‌های مهم خانگی است که در قوانین ملی ثبت نشده اند و اقتصاد سایه شامل همه ی کالاها و خدمات تولیدی قانونی مبتنی بر بازار است که به دلایلی از جمله دلایل ذیل عمداً از نظارت مقامات عمومی پنهان نگه داشته می‌شوند:

الف) فرار مالیاتی و خودداری از پرداخت مالیات بر درآمد، ارزش افزوده یا دیگر مالیات‌ها

ب) خودداری از پرداخت هزینه‌های تامین اجتماعی

ج) اجتناب از رعایت معیارهای قانونی مشخص مانند حداقل دستمزد، حداکثر ساعات کار، معیارهای حفاظتی یا بهداشتی

د) اجتناب از رعایت روش‌های اداری مشخص مانند تکمیل پرسشنامه‌های اداری یا دیگر فرم‌های اداری

تعریف پدرسن: پدرسن (۲۰۰۳) کل فعالیت‌های اقتصادی را به دو دسته اقتصاد رسمی و اقتصاد غیررسمی تقسیم کرد و معتقد بود که اقتصاد رسمی شامل کالاهای کشاورزی، کالاهای سرمایه‌گذاری خودتولیدی خانوارها، کالاهای عمومی و فعالیت‌های شفاف گزارش شده اقتصادی است و اقتصاد غیررسمی، دو بخش اقتصاد سایه و خدمات خانوار را شامل می‌شود. از دید وی، اقتصاد سایه خود شامل اقتصاد سیاه، تولیدات غیرقانونی از جمله معاملات مواد مخدر و فرار مالیاتی است (پدرسن، ۲۰۰۳: ۷).

تعریف گیلز: گیلز اقتصاد زیرزمینی را شامل فعالیت‌ها و مبادلاتی می‌شمرد که ممکن است قانونی یا غیرقانونی باشند، اما به دلیل گزارش نشدن، اندازه‌گیری نشده‌اند. گزارش نکردن به خاطر پرداخت نکردن مالیات انجام می‌شود؛ مثل پرداخت‌های نقدی گزارش نشده، اخاذی، فساد، فحشا، مواد مخدر و ... (گیلز، ۲۰۰۲: ۶).

تعریف اریک فریدمن و دیگران: اریک فریدمن و دیگران در بررسی وضعیت اقتصاد غیررسمی شصت و نه کشور اعلام می‌دارند که فعالیت‌های غیررسمی بالا با نرخ‌های پایین مالیات همراه نیستند؛ بلکه بیشتر با فساد همراهند. کارفرمایان و تولیدکنندگان به دلیل فرار از مالیات به سمت زیرزمینی عمل کردن نمی‌روند، بلکه به خاطر کم کردن بار بوروکراسی و فساد در این راه گام می‌گذارند (اریک فریدمن و دیگران، ۲۰۰۰: ۱۴).

تعریف توماس: توماس در معرفی اقتصاد غیررسمی و حدود آن تعاریف و تقسیم‌بندی زیر را ارائه داده است. او در تقسیم‌بندی خود از دو معیار قانونی بودن و مبادله در بازار استفاده کرده است. بر اساس تقسیم‌بندی وی اقتصاد غیررسمی به چهار بخش خانوار، بخش غیررسمی، بخش نامنظم و بخش غیر قانونی تقسیم شده است.

(جی جی توماس، ۱۹۹۲: ۶)

تعریف فری و ویک: فری و ویک اعتقاد دارند علاوه بر نقل و انتقالات مالی، فعالیت هایی نیز جزء اقتصاد غیررسمی هستند که برای کشور ارزش اقتصادی ایجاد می کنند. همچنین ارزش هایی که جزء تولید ناخالص ملی هستند و قاعدتا باید در محاسبات حساب های ملی تبلور پیدا کنند، اما تبلور پیدا نمی کنند نیز جزء اقتصاد غیررسمی به شمار می آیند (فری، ۱۹۸۳: ۹).

۳. مبانی نظری قاچاق

قاچاق از مهم ترین مصادیق اقتصاد زیر زمینی است که با هدف سودآوری از سوی عوامل تجارت غیرقانونی انجام می شود. قاچاق یک پدیده چند وجهی شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و ... است که می توان گفت مهمترین وجه آن هم از نظر ایجاد و هم از نظر اثرگذاری، وجه اقتصادی است. به دلیل ماهیت غیرقانونی و پنهان فعالیت قاچاق، آمارهای رسمی در این زمینه وجود ندارد. این درحالیست که برای بسیاری از سیاستمداران مهم است که پیامدهای تصمیم گیری های خود بر اقتصاد را بدانند. از سوی دیگر قاچاق مشکلات متعددی برای متولیان و سیاست گذاران ایجاد می کند، زیرا شاخص های رسمی درباره بیکاری، نیروی کار، درآمد، مصرف و ... غیر واقعی خواهند بود (راحیل، ۱۳۹۱: ۱۲).

قاچاق پدیده مذمومی است که تا سال های نه چندان دور به شکل کنونی و به عنوان یک دغدغه مطرح نبود، شاید به این دلیل که شرایط اقتصاد ایران هنوز به این وخامت نرسیده بود، اما تدریجا با بدتر شدن شرایط اقتصادی شاهد افزایش روزافزون آن و تسری به انواع کالاها هستیم که این پدیده در حال دور کردن اقتصاد از مسیر صحیح خود است و بی توجهی به آن می تواند دستیابی به اهداف و برنامه های اقتصادی را با اختلال و دشواری همراه سازد.

بر اساس آمارهای موجود در سال ۱۳۹۴، در این سال نسبت قاچاق ورودی به

واردات رسمی حدود ۳۵ درصد، نسبت قاچاق خروجی به صادرات غیر نفتی، معادل ۳ درصد و همچنین نسبت کل قاچاق به جمع واردات رسمی و صادرات رسمی معادل ۲۰ درصد می‌باشد. همچنین نسبت قاچاق کشور به کل بودجه سال ۱۳۹۴ معادل ۶ درصد بوده است (ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۵).

۳.۱. تعاریف مختلف از قاچاق

در تعریفی عنوان می‌شود که "هر گونه فرار از نظارت گمرکی یا انجام فعالیت ناقض قانون خاص محدودکننده "قاچاق نام دارد (پژویان، ۱۳۸۹). طبق تعریف سازمان جهانی گمرک (WCO)، قاچاق تخلف گمرکی است که شامل جابجایی کالا در طول مرز گمرکی، به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی است (نوری، ۱۳۸۲). برخی قاچاق را ورود مخفی کالاها در نظر می‌گیرند (-deflem and henry, 2001, 4, turner). عده ای نیز قاچاق را فرار از پرداخت مالیات ها به وسیله فریب کنترل های مرزی تعریف کرده اند (Merriman, 2003, 9).

بر اساس تعریف ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، واژه "قاچاق" کلمه‌ای ترکی به معنای "ربوده" است. در ماده یک قانون مبارزه با قاچاق مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ مجلس شورای اسلامی، قاچاق کالا و ارز این گونه تعریف شده است، "هر فعل یا ترک فعلی که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد و نیز در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور، حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود" (قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۳). به تعبیر ساده، قاچاق کالا عبارتست از صدور کالا یا واردات آن، وقتی به طریق غیرقانونی از مبادی غیررسمی صورت گیرد و یا در عین گذر از مبادی رسمی (گمرکات)، تمام یا بخشی از مقررات در مورد آن ها اعمال نشده باشد. به این ترتیب، به کالاهایی که به شیوه های فوق صادر یا وارد شوند کالاهای قاچاق اطلاق می‌شود، اعم از اینکه جزو



کالاهای ممنوع باشند (کالاهایی که ورود و صدور آنها ممنوع است، مانند مشروبات الکلی، ادوات و ابزار قمار، اسلحه، تجهیزات دریافت از ماهواره، داروهای روان گردان) و یا کالاهای مجاز (کالاهایی که صدور یا ورود آنها با رعایت تشریفات گمرکی و بانکی به مجوز نیاز ندارد، مانند منسوجات، مواد اولیه و مصالح ساختمانی) و یا کالاهای مجاز مشروط (کالاهایی که صدور یا ورود آنها علاوه بر انجام تشریفات گمرکی حسب قانون نیازمند مجوز قبلی از یک یا چند مرجع ذی ربط قانونی است، مانند مواد غذایی، بهداشتی و کالاهای تحت استاندارد ایمنی) (ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۴).

آمارهای گمرک ایران از کشفیات قاچاق کالا بیانگر سیر صعودی تعداد کل پرونده های قاچاق در سال های اخیر است. بر اساس این آمار، تعداد کل پرونده های قاچاق در سال ۱۳۹۴، ۱۱۰۵۳۸ فقره بوده است. با توجه به اینکه کشفیات تنها جزئی از حجم فعالیت های غیر قانونی است، گستردگی پدیده قاچاق مشهود است (ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۵).

۳.۲. قاچاق به عنوان جرم اقتصادی

از اواخر دهه ۱۹۶۰ "گری بکر" دیدگاه جدیدی را در ادبیات اقتصادی در زمینه جرم مطرح کرد. بکر فرض بیماری، افسردگی و متفاوت بودن روحیهی مجرمان با یکدیگر را رد کرده و با یک تحلیل صرفاً اقتصادی، رفتار عقلایی مجرمان را مورد تاکید قرار می دهد. بر اساس مدل بکر، فرد وقتی در جرم شرکت می کند که مطلوبیت مورد انتظار به ازای فعالیت مجرمانه بیش از مطلوبیتی است که فرد به ازای صرف زمان و منابعش در دیگر فعالیت ها به دست می آورد. او معتقد است تعداد جرم توسط هر شخص تابع احتمال محکومیت، مقدار مجازات و دیگر متغیرها مانند مقدار درآمد قابل دسترس در فعالیت های قانونی و فعالیت های غیر قانونی است. جرم یک فعالیت اقتصادی است که یک فرد پس از تحلیل هزینه - فایده تنها در صورتی که خالص

منافع مورد انتظار ناشی از جرم بیش از منافع فعالیت‌های قانونی باشد در آن شرکت می‌نماید. با توجه به اینکه هر رفتاری دارای یک انگیزه اقتصادی است قاچاق نیز به عنوان یک جرم اقتصادی دارای انگیزه اقتصادی است که چنانچه هزینه مورد انتظار از ارتکاب آن از فایده مورد انتظار آن کمتر باشد قطعاً دارای توجیه اقتصادی نخواهد بود. از سال ۱۹۶۰ به بعد به موازات رشد مطالعات تجربی در زمینه تجارت غیر قانونی، پدیده قاچاق مورد توجه نظریه پردازان تجارت بین الملل قرار گرفت و اولین دیدگاه نظری در زمینه قاچاق توسط دو دانشمند به نام‌های بهاگواتی و هانسن مطرح شد (بکر، ۱۹۶۸: ۱۴).

۴. مبانی نظری بیکاری و بازار کار در ایران

تغییرات شاخص‌های بازار کار برآیند اثر تحولات اقتصادی کشور بر عرضه و تقاضای نیروی کار است. شرایط بازار کار از طرف عرضه متأثر از ساختار جمعیتی به ویژه جمعیت بالای ۱۰ سال و عوامل اقتصادی و از سمت تقاضا متأثر از شرایط اقتصادی است. شرایط اقتصادی کشور در سال‌های اخیر متأثر از گسترش تحریم‌ها، بی‌ثباتی نرخ ارز، اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و تورم فزاینده و حجم بالای قاچاق بوده است. بی‌ثباتی نرخ ارز و تورم بالا منجر به نااطمینانی و کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها استفاده از فناوری‌های روز تولید را محدود می‌کند. حجم بالای قاچاق نیز فرصت‌های شغلی در اقتصاد را از بین می‌برد. این شرایط در بلندمدت ساختار تولید کشور را پرهزینه و غیررقابتی کرده و در نهایت تقاضای نیروی کار کاهش می‌یابد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳). در چنین فضایی که تولید بخش رسمی و تقاضای نیروی کار در اقتصاد کاهش می‌یابد، بی‌شک فعالیت در بخش غیر رسمی (قاچاق) می‌تواند جذابیت بیشتری پیدا کرده و بیش از پیش در اقتصاد افزایش یابد.

۴.۱. تعاریف و مفاهیم

جمعیت فعال اقتصادی: تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر (حداقل سن تعیین شده)، که در هفته ی تقویمی قبل از هفته آمارگیری (هفته ی مرجع) طبق تعریف کار، در تولید کالا و خدمات مشارکت داشته (شاغل) و یا از قابلیت مشارکت برخوردار بوده اند (بیکار)، جمعیت فعال اقتصادی محسوب می شوند.

شاغل: تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته ی مرجع، طبق تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به طور موقت کارشان را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می شوند. شاغل به طور عمده شامل دو گروه مزد و حقوق بگیران و خود اشتغال می شوند. ترک موقت کار در هفته ی مرجع با داشتن پیوند رسمی شاغلی برای مزد و حقوق بگیران و تداوم کسب و کار برای خوداشتغالان، به عنوان اشتغال محسوب می شود. افراد زیر نیز به لحاظ اهمیتی که در فعالیت اقتصادی کشور دارند، شاغل محسوب می شوند:

- افرادی که بدون دریافت مزد برای یکی از اعضای خانوار خود که با وی نسبت خویشاوندی دارند، کار میکنند (کارکنان فامیلی بدون مزد).
- کارآموزانی که در دوره ی کارآموزی فعالیتی در ارتباط با فعالیت مؤسسه ی محل کارآموزی انجام می دهند، یعنی مستقیماً در تولید کالا یا خدمات سهم هستند، فعالیت آنها "کار" محسوب می شود.
- محصلانی که در هفته ی مرجع مطابق تعریف، کار کرده اند.
- تمام افرادی که در نیروهای مسلح به صورت کادر دائم یا موقت خدمت می کنند (نیروهای مسلح شامل پرسنل کادر، درجه داران و سربازان وظیفه ی نیروهای نظامی و انتظامی).

بیکار: بیکار به تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر اطلاق می شود که:

- (۱) در هفته مرجع فاقد کار باشند (دارای اشتغال مزدبگیری یا خوداشتغالی نباشند).
- (۲) در هفته مرجع و یا هفته ی بعد از آن آماده برای کار باشند (برای اشتغال

مزدبگیری یا خوداشتغالی آماده باشند).

۳) در هفته‌ی مرجع و سه هفته قبل از آن جویای کار باشند (اقدامات مشخصی را به منظور جستجوی اشتغال مزدبگیری و یا خوداشتغالی به عمل آورده باشند). افرادی که به دلیل آغاز به کار در آینده و یا در انتظار بازگشت به شغل قبلی جویای کار نبوده، ولی فاقد کار و آماده برای کار بوده اند نیز بیکار محسوب می شوند. اشتغال ناقص: وضعیتی است که در آن امکان به کارگیری یا بهره برداری از تمامی استعدادها، ظرفیت ها و یا توانایی های فرد فراهم نباشد و شامل اشتغال ناقص زمانی، اشتغال ناقص مهارتی و اشتغال ناقص درآمدی است. اشتغال ناقص درآمدی: وضعیتی که شاغل طی دوره زمانی مرجع نسبت به شاغلان با موقعیت شغلی مشابه از درآمد کمتری برخوردار باشد و خواهان و آماده برای تغییر شرایط شغلی خود باشد.

اشتغال ناقص زمانی: افراد دارای اشتغال ناقص زمانی شامل تمام شاغلانی است که در هفته مرجع، حاضر در سرکار یا غایب موقت از محل کار بوده و به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت کار بیشتر، قرار داشتن در فصل غیرکاری و... کمتر از ساعت قانونی کشور کار کرده، خواهان و آماده برای انجام کار اضافی در هفته مرجع بوده اند.

اشتغال ناقص مهارتی: وضعیتی که طی دوره زمانی مرجع از مهارت های شغلی فرد شاغل استفاده کامل به عمل نمی آید و شاغل به منظور بهره برداری بیشتر از مهارت های شغلی خود خواهان و آماده تغییر شرایط شغلی است.

۴.۲. شاخص‌ها

نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت)

$$\text{نرخ مشارکت اقتصادی} = \frac{\text{جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر)}}{\text{جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر)}} \times 100$$

نرخ بیکاری

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times 100$$

(مرکز آمار، ۱۳۹۴)

شکل ۲. تقسیمات جمعیت از دیدگاه بازار کار

جمعیت		
در سن کاری		خارج از سن کاری
نیروی کار		خارج از نیروی کار
شاغل به کار	بیکار	
تمام وقت	پاره وقت	
تمام وقت	داوطلبانه	ناخواسته

(شاکی، ۱۳۸۷)

۴.۳. نرخ مشارکت اقتصادی و بیکاری در ایران

اشتغال از مهمترین چالش های اقتصاد ایران در شرایط کنونی به شمار می آید. طبق آخرین سرشماری صورت گرفته توسط مرکز آمار ایران، میانگین سنی جمعیت کشور حدود ۳۰ سال است که از جوان بودن و اهمیت اشتغالزایی حکایت دارد. نکته قابل توجه در بازار نیروی کار کشور این است که به خصوص در سال های اخیر، نرخ بیکاری به تنهایی شاخص مناسبی برای ارزیابی این بازار محسوب نشده و لازم است شاخص هایی مثل نرخ مشارکت اقتصادی و اشتغال ناقص نیز مورد بررسی قرار گیرند که در جدول ذیل آمار مربوط به این شاخص ها ارائه می گردد.

جدول ۴. برخی شاخص‌های نیروی کار در سال ۱۳۹۴

نقاط روستایی	نقاط شهری	زن	مرد	کل کشور		
۴۰	۳۷,۵	۱۳,۳	۶۳,۲	۳۸,۲	نرخ (درصد)	مشارکت اقتصادی
۶,۸	۱۷,۹	۴,۳	۲۰,۴	۲۴,۷	تعداد (میلیون نفر)	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر
۸,۱	۱۲,۲	۱۹,۴	۹,۳	۱۱	نرخ (درصد)	بیکاری جمعیت
۰,۶	۲,۲	۰,۸	۱,۹	۲,۷	تعداد (میلیون نفر)	۱۰ ساله و بیشتر
۱۷,۶	۲۵,۵	۴۰,۲	۱۹,۱	۲۳,۳	نرخ (درصد)	بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله
۰,۳	۱,۳	۰,۶	۱,۱	۱,۶	تعداد (میلیون نفر)	
۱۳,۷	۸,۲	۴,۵	۱۰,۸	۹,۸	سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص زمانی (درصد)	

منبع: چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۴. مرکز آمار ایران

۴,۳,۱. شکاف در نرخ مشارکت اقتصادی

همانطور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود ۶۳,۲ درصد از جمعیت مردان در سن کار و ۱۳,۳ درصد از جمعیت زنان در سن کار کشور در این سال از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند و در نتیجه نرخ مشارکت کل برابر ۳۸,۲ درصد بوده است. این امر به معنای افزایش تمایل بخش بیشتری از جمعیت کشور برای عرضه نیروی کار خود در بازار کار است. با این حال، به دلیل موانع موجود در مقابل رشد اقتصادی، این عرضه با پاسخی مناسب از جانب تقاضا روبرو نمی‌شود و افزایش بیشتر نرخ مشارکت، به افزایش نرخ بیکاری منجر خواهد شد. مازاد عرضه نیروی کار با افزایش نرخ مشارکت اقتصادی موجب انتقال بخشی از جمعیت "غیرفعال" سابق به جمعیت "بیکار" کنونی می‌شود.

در شرایط کنونی نرخ مشارکت اقتصادی در ایران از میزان متوسط جهانی بسیار پایین تر است که بخش عمده آن، به نرخ بسیار پایین مشارکت زنان در نیروی کار کشور بازمی‌گردد. به عبارت دیگر در اقتصاد ایران تنها کمتر از ۴۰ درصد جمعیت در سن کار کشور در گروه "جمعیت فعال" (شاغل یا بیکار) قرار می‌گیرند و بالغ بر ۶۰ درصد آن‌ها، از نظر اقتصادی "غیر فعال" (نه شاغل و نه بیکار) هستند. حال آنکه آمارها نشان می‌دهد متوسط جهانی نرخ مشارکت اقتصادی در جهان در یک دهه گذشته، تقریباً نزدیک به ۶۴ درصد بوده و بنا به آمار بانک جهانی در سال ۲۰۱۴ میلادی ۶۳٫۵ درصد بوده است. امری که شکاف قابل توجه میان وضعیت نیروی کار ایران با کشورهای دیگر را بازگو می‌کند. البته یکی از دلایل این شکاف، پایین بودن نامتعارف "نرخ مشارکت اقتصادی زنان" در اقتصاد ایران است. به صورت تقریبی، نرخ مشارکت مردان در اغلب کشورهای جهان در محدوده ۶۰ تا ۹۰ درصد قرار دارد و دامنه نرخ مشارکت اقتصادی زنان نیز در بیشتر کشورها، از ۴۰ درصد تا ۷۰ درصد است. با این حال، نرخ مشارکت اقتصادی مردان و زنان در ایران به ترتیب ۶۳٫۲ درصد و ۱۳٫۳ درصد است.

۴٫۳٫۲. تبعات رشد تدریجی نرخ مشارکت اقتصادی

بررسی‌ها نشان می‌دهد از پاییز سال ۱۳۹۳ به بعد، روند تازه ای بر بازار کار کشور حاکم شده که در قالب افزایش نرخ مشارکت اقتصادی و تمایل به جست و جوی کار خود را نشان داده است. به طوری که طی فصول گذشته، نرخ مشارکت اقتصادی در هر فصل از فصل مشابه سال پیشین خود، بالاتر بوده است. برخی معتقدند خوش‌بینی پس از روی کار آمدن دولت یازدهم و انتظار بهبود اقتصادی با گشایش روابط خارجی، در این تغییر موثر بوده و منجر شده که عده‌ای از جمعیت غیرفعال، مجدداً به یافتن شغل امیدوار شوند و ذیل جمعیت فعال بیکار قرار گیرند. آمارها نشان می‌دهد در ۲۰ سال گذشته، بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی در پایان دولت اصلاحات و در

سال ۱۳۸۴ با رسیدن این شاخص به رکورد ۴۱ درصدی به وقوع پیوست. بنابراین، شاید یک فرض نسبتاً واقع بینانه این باشد که در پایان دهه ۹۰ نیز، این نرخ مجدداً به سطح ۴۱ درصدی بازگردد. در صورتی که رشد جمعیت طی این سال‌ها معادل مقدار خود در سال‌های گذشته یعنی سالانه ۱،۱۷۹ درصد باشد و با فرض اینکه توزیع سنی جمعیت نیز تا پایان دهه کنونی بدون تغییر بماند، می‌توان انتظار داشت که در سال ۱۴۰۰ کشور تقریباً ۸۸،۱ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت که از این تعداد، حدود ۷۳،۲ میلیون نفر در سن اشتغال (۱۰ سال به بالا) قرار خواهند داشت و با فرض نرخ مشارکت اقتصادی ۴۱ درصدی، حدود ۳۰ میلیون نفر در زمره جمعیت فعال محسوب خواهند شد. در این صورت اگر قرار باشد نرخ بیکاری حتی در همین محدوده نسبتاً بالای فعلی یعنی سطح ۱۱ درصدی هم ثابت بماند، در آن زمان اقتصاد ایران به حدود ۲۶،۷ میلیون شغل نیاز خواهد داشت که به معنای نیاز به حدود چهار میلیون و ۷۵۰ هزار شغل جدید طی این سال‌ها خواهد بود. به عبارت دیگر و با فرض بازگشت نرخ مشارکت به سطح سال ۱۳۸۴، اقتصاد ایران سالانه به ۷۹۰ هزار شغل جدید نیاز خواهد داشت تا سطح نرخ بیکاری، از محدوده کنونی خود بیشتر نباشد (محمدی، میلاد، ۱۳۹۵، عرضه نیروی کار بدون تقاضا).

نمودار ۱. نرخ مشارکت اقتصادی کل کشور



منبع: مرکز آمار ایران

۴,۳,۳. بیکاری و اشتغال در اقتصاد ایران

از میان جمعیت فعال، ۱۱ درصد در معادل ۲,۷ میلیون نفر در سال ۱۳۹۴ بیکار بوده اند. مطابق معمول سال های گذشته نرخ بیکاری زنان بسیار بیشتر از مردان و نرخ بیکاری در نقاط شهری بیش از نقاط روستایی بوده است. علاوه بر این، نرخ بیکاری ۲۳,۳ درصدی برای جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله از وضعیت نامناسب کاری این رده سنی حکایت دارد. در این میان ۹,۸ درصد جمعیت شاغل کشور در این سال نیز دارای اشتغال ناقص بوده اند.

در سال ۱۳۹۴ نزدیک به ۱۰,۹ میلیون نفر از شاغلان کشور در بخش خدمات، ۷,۱ میلیون نفر در بخش صنعت و چهار میلیون نفر در بخش کشاورزی مشغول به کار بوده اند. براساس بررسی های صورت گرفته توسط مرکز آمار ایران، در ۱۰ سال اخیر سهم بخش کشاورزی در اشتغال کشور ۲۰,۶ درصد، سهم بخش صنعت ۳۲,۲ درصد و سهم بخش خدمات با ۴۷,۲ درصد بیشترین سهم بوده است و به طور متوسط ۲,۴۷ درصد از شاغلان کشور در این بخش مشغول به کار بوده اند. به طور معمول عمده افراد تحصیل کرده کشور در بخش خدمات و پس از آن در بخش صنعت حضور دارند و تنها تعداد بسیار اندکی از آنان جذب بخش کشاورزی می شوند، چرا که کشاورزی در ایران عمدتاً به طور سنتی صورت می گیرد و فرصت و امکان اشتغالزایی برای تحصیل کردگان کمتر وجود دارد.

۴,۳,۴. وضعیت بازار کار ایران طی سال های ۱۳۸۴-۱۳۹۲

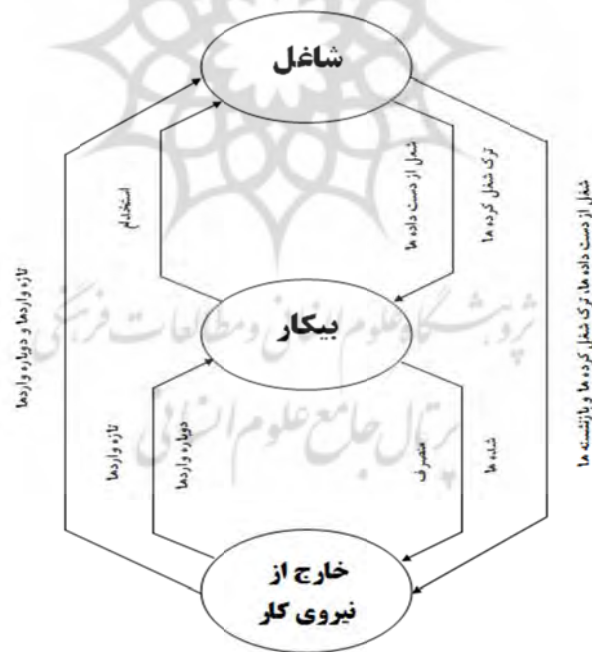
از جمله مهمترین ویژگی های بازار کار ایران طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، ثبات نسبی در تعداد جمعیت فعال و افت ۱,۱ درصدی در نرخ بیکاری بوده است. با توجه به رشد بسیار کم جمعیت فعال در مقایسه با رشد کل جمعیت در سن کار، نرخ مشارکت کاهش قابل توجهی را تجربه کرده و لذا کاهش نرخ بیکاری بیش از آنکه معلول ایجاد شغل جدید باشد، از ثبات نسبی جمعیت فعال نشأت گرفته است. این امر

عمدتا به دلیل گسترش تحصیلات تکمیلی و همچنین مایوس شدن عده ای از یافتن شغل بوده و موجب تغییر وضعیت افراد از حالت فعال به غیرفعال شده است. نرخ مشارکت بسیار پایین زنان در بازار کار کشور باعث شده نرخ مشارکت به مقدار قابل توجهی از معمول کشورهای در حال توسعه پایین تر باشد، با این حال چنانچه در نمودار ذیل ملاحظه می شود، در مقایسه با چند سال گذشته اکنون این نرخ با یک واحد درصد افزایش، به ۳۸,۲ درصد رسیده است. در این سال اگرچه به طور خالص بیش از ۶۶۴ هزار نفر به تعداد شاغلان کشور افزوده شده، به دلیل افزایش ۸۸۳ هزار نفر به جمعیت فعال، نرخ بیکاری از ۱۰,۶ به ۱۱ درصد افزایش یافته است. ضمن اینکه در سال ۱۳۹۴ حدود ۱۰۸ هزار نفر نیز به افراد دارای اشتغال ناقص افزوده شده و تعداد کل آنان به ۲,۲ میلیون نفر رسیده است.

ایجاد امیدواری برای ورود به بازار کار و لذا اضافه شدن به تعداد افراد جویای کار پس از دستیابی به برجام و همچنین فارغ التحصیلی بخشی از دانشجویان که در سال های پیش با ادامه تحصیل خود در واقع ورود به بازار کار را به تعویق انداخته بودند، موجب تغییر وضعیت تعداد زیادی از افراد از حالت غیرفعال به فعال شده است. از طرف دیگر کاهش در انصراف از جست و جوی شغل به منظور ادامه تحصیل، کاهش شدید تغییر وضعیت از بیکاری به غیرفعالی (اثر مایوس کنندگی) و کاهش تغییر وضعیت از شاغل به بازنشسته (کاهش نرخ بازنشستگی) موجب کندی روند خروج افراد از جمعیت فعال شده است. این امر افزایش نرخ مشارکت در سال ۱۳۹۴ را به همراه داشته است و پیش بینی می شود افزایش این نرخ در سال های آینده شتاب بیشتری نیز داشته است. با توجه به موارد ذکر شده به نظر می رسد که مشکل بیکاری کشور در سال های آتی عمدتاً از جنس بیکاری جوانان تحصیل کرده خواهد بود و لذا هدف گذاری باید برای ایجاد فرصت های شغلی متناسب با این افراد باشد که نیازمند تغییر برخی ساختارها در این زمینه است. علاوه بر این به نظر نمی رسد که برداشته شدن تحریم ها به طور مستقیم و در کوتاه مدت اثر قابل توجهی بر بازار کار کشور

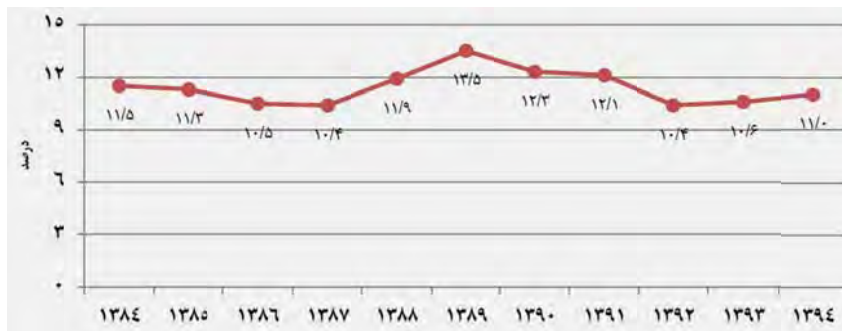
داشته باشد، چرا که این تحریم ها عمدتاً بر صنایع نفت و گاز و همچنین بانکداری ایران اعمال شده بودند که سهم چندان بالایی در اشتغالزایی نداشته اند. با توجه به ساختار جمعیتی کشور و پشت سر گذاشتن اوج جمعیت وارد شده به مقاطع مختلف تحصیلی آموزش عالی و توجه به این مهم که پتانسیل دولت برای اشتغالزایی مستقیم در شرایط فعلی بسیار پایین است و نرخ مشارکت اقتصادی در حال افزایش است، عدم توجه به موضوع اشتغال می تواند به عنوان تهدید جدی در اقتصاد نمایان شود و بخش قابل توجهی از جمعیت جوان تحصیل کرده را به سمت فعالیت های غیررسمی و به خصوص حوزه قاچاق که در شرایط فعلی می تواند با عایدی بالا و جذابیت بالایی همراه باشد، هدایت کند.

شکل ۳. ورود جمعیت به بازار کار و خروج جمعیت از آن



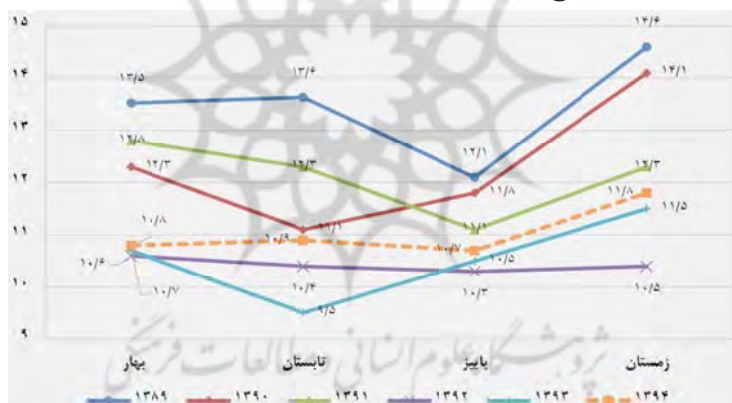
شاکری، ۱۳۸۷.

نمودار ۲. نرخ بیکاری کل کشور



منبع: مرکز آمار ایران

نمودار ۳. نرخ بیکاری در فصول مختلف سال های ۱۳۸۹-۱۳۹۴



منبع: مرکز آمار ایران

با توجه به اینکه طی سال‌های اخیر، بازار کار و نرخ بیکاری از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند و تمام مشکلات این بازار نیز ناشی از فعالیت قاچاق و گسترش آن نیست، نکته قابل توجه این است که شرایط خاص بازار کار در ایران (نرخ مشارکت اقتصادی بالا، نرخ بالای اشتغال ناقص و نرخ بالای بیکاری) و مستعد بودن این بازار

برای آسیب پذیری بیشتر از یک سو و بی‌توجهی به گسترش فعالیت‌های قاچاق از سوی دیگر می‌تواند مزید بر علت شده و نرخ بیکاری را بیش از پیش افزایش دهد.

۵. آسیب شناسی قاچاق

اقتصاد زیرزمینی و به تبع آن قاچاق نتیجه‌ی مستقیم و غیر مستقیم سیاست‌های اتخاذ شده در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. با توجه به اینکه ماهیت پدیده قاچاق ارتباط مستقیم با علم اقتصاد دارد، به نظر می‌رسد که تصمیم‌ها و سیاست‌های اقتصادی بیشتر از سایر حوزه‌ها بر ایجاد اقتصاد زیرزمینی و قاچاق و نیز تشدید آن‌ها موثر هستند.

لازم به ذکر است که شدت و ضعف اثرگذاری سیاست‌های اقتصادی در همه‌ی کشورها به یک اندازه نیست و بسته به شرایط خاص هر کشور میزان و نحوه اثرگذاری متفاوت است. همچنین به دلیل ماهیت پنهان اقتصاد زیرزمینی، اثرگذاری برخی عوامل نیز نامشخص است اما آنچه پرواضح است اینست که هر قدر سیاست‌های اقتصادی نادرست‌تر و وضعیت شاخص‌های کلان اقتصادی بدتر باشد حجم اقتصاد زیرزمینی و قاچاق نیز گسترده‌تر خواهد بود.

در این بخش ابتدا مهمترین عوامل (اقتصادی) ایجاد قاچاق را ارائه کرده و سپس مهمترین عوامل تشدید کننده آن را ذکر می‌کنیم.

۵.۱. مهمترین عوامل اقتصادی موثر بر ایجاد اقتصاد زیرزمینی و قاچاق

همانطور که پیش از این اشاره کردیم، دلیل اصلی ایجاد قاچاق نابسامان بودن و نامتعادل بودن شرایط اقتصادی و نبود بستر لازم برای انجام فعالیت‌های اقتصادی است، بنابراین هر عاملی که اقتصاد را از شرایط متعادل و اقتصاد سالم دور کند، می‌تواند عامل ایجاد اقتصاد زیرزمینی (قاچاق) باشد که در ادامه به مهمترین آن‌ها



- ضعف نهادها و قوانین (تعدد و پیچیدگی در قوانین گمرکی، قانون کار، قوانین مالیاتی و ...)
- اقتصاد دولتی (مداخله در قیمت ها و دستمزدها با هدف حمایت از تولیدکننده و مصرف کننده، پرداخت نادرست یارانه به برخی کالاها، اختلاف نرخ ارز رسمی و غیررسمی)، غیرشفاف و رانتهی،
- محدودیت های تجاری و بازرگانی (بالا بودن تعرفه ها و نگاه صرفا درآمدی به آن ها)
- فضای کسب کار نامساعد و مشکلات راه اندازی کسب و کار جدید
- تورم، فقر و رکود اقتصادی

۵.۲. مهمترین عوامل تشدید کننده قاچاق

* ناکارآمدی دستگاه های اجرایی و نظارتی، پایین نگهداشتن نرخ ارز، غیر رقابتی بودن و توسعه نیافتگی بازارها، فساد اداری و اقتصادی، عدم توجه به نحوه عملکرد مناطق آزاد تجاری، محرومیت ساکنان نقاط مرزی، سهل الوصول بودن دستیابی به منابع قاچاق، وضع اقتصادی و تجاری همسایگان

۶. اثرات قاچاق بر بیکاری

قاچاق به عنوان یک رویکرد منفعت طلبانه و نیز به لحاظ چندوجهی بودن به هر علتی که دنبال شود هزینه هایی را برای کشور در پی دارد که این هزینه ها نیز چند جانبه است، یکی از مهمترین اثرات قاچاق در اقتصاد، تاثیر بر بیکاری است که می توان اثرات قاچاق بر بیکاری را به صورت اثرات مستقیم و غیرمستقیم مورد بررسی قرار داد.

۶.۱. اثرات مستقیم قاچاق بر بیکاری

همانطور که پیش از این عنوان شد در صورت مواجه شدن با یک اقتصادی که

مختصات اقتصاد سالم و متعادل را ندارد، یعنی دارای نرخ تورم بالا، نرخ بیکاری بالا، قوانین سخت و دست و پا گیر برای راه اندازی کسب و کار جدید، قوانین سخت قانون کار، قیمت گذاری دستوری، عدم شفافیت اقتصادی، رانت و فساد زیاد و... است یکی از رفتارهای عقلایی که مردم برای کسب و بقای درآمد و داشتن شغل انجام می دهند یافتن راه میان بر و راه گریز تحت عنوان فعالیت های زیرزمینی، پنهان و قاچاق است که می تواند برای آن ها مطلوبیت ایجاد کرده و توجیه اقتصادی داشته باشد.

با توجه به گزارش های اخیر مرکز آمار از افزایش نرخ مشارکت اقتصادی در چند فصل گذشته و رسیدن این شاخص به سطح بالای ۳۸ درصد در سال گذشته و احتمال افزایش بیشتر آن در سال های آتی و در شرایطی که اقتصاد نمی تواند ظرفیت های تولید را افزایش دهد و به جذب نیروی کار عرضه شده پاسخ دهد، جمعیت بیکار که حتی شامل تعداد قابل توجهی از افراد تحصیل کرده نیز می باشند برای رهایی از این وضعیت، پرداختن به فعالیت های زیرزمینی و قاچاق را به بیکاری ترجیح می دهند، بنابراین در فاز اول و به طور مستقیم به نظر می رسد که قاچاق بیکاری را کاهش می دهد (هر چند به دلیل ماهیت پنهان این فعالیت و عدم دسترسی به آمار و اطلاعات، بیکاری که از این جهت کاهش می یابد در آمارها گزارش نمی شود و حتی نرخ بیکاری بیش از آنچه هست گزارش می شود) و برای افراد ایجاد درآمد می کند و رفاه آن ها را افزایش داده و حتی می تواند فقر را کاهش دهد.

بنابراین افرادی که به قاچاق مبادرت می ورزند درآمد کسب می کنند و دارای هزینه های مصرفی هستند که این هزینه ها در حساب های ملی لحاظ می گردد. این درحالیست که درآمد ناشی از قاچاق در حساب های ملی محاسبه نمی گردد و به همین دلیل محصول ناخالص ملی کمتر از مقدار واقعی برآورد می گردد و طبیعتاً هر قدر حجم قاچاق گسترده تر باشد میزان محصول ناخالص ملی کمتر از مقدار واقعی محاسبه می گردد.

بنابراین افراد بیکاری که در جستجوی شغل در اقتصاد زیرزمینی هستند و با شاغل شدن در بخش زیرزمینی فعالیت های آن بخش را افزایش می دهند، در آمار مربوط به بخش رسمی بیکار در نظر گرفته می شوند و در نتیجه قسمتی از آمار بیکاری بخش رسمی را به خود اختصاص داده اند. در صورتی که اگر کارگران بخش زیرزمینی بیکار در نظر گرفته نشوند، بیکاری کاهش یافته است، این درحالیست که اقتصاد زیرزمینی افزایش می یابد و در نتیجه رابطه ای منفی بین اقتصاد زیرزمینی و نرخ بیکاری مشاهده می شود (حسنوند، ۱۳۹۵: ۶).

۶.۲. اثرات غیرمستقیم قاچاق بر بیکاری

با توجه به مطالب فوق می توان به این نتیجه رسید که در فاز اول و مستقیم اثرگذاری، قاچاق میزان بیکاری را کاهش می دهد. اما در مراحل بعدی اثرگذاری، قاچاق شاخص های دیگر اقتصادی را متاثر نموده و سپس بیکاری را تحت تاثیر قرار می دهد که در ادامه به آن ها می پردازیم.

افرادی که به فعالیت قاچاق می پردازند بدون پرداخت هزینه های قانونی و عوارض گمرکی کالاهای خود را وارد و صادر می کنند، لذا می توانند سودهای کلانی را نسبت به کسانی که از مبادی قانونی اقدام به صادرات و واردات می کنند به دست آورند و حتی در مواردی سود ناشی از فروش کالای قاچاق وارداتی بیشتر از تولیدکننده داخلی همان کالا است که ناگزیر است در شرایط سخت اقتصادی و با هزینه های بالا آن کالا را در داخل تولید کند، لذا این شرایط موجب می گردد ثروت قابل توجهی در اختیار قاچاقچیان قرار گیرد. با توجه به اصول علم اقتصاد و اینکه هدف اصلی هر بنگاه حداکثر سازی سود است بسیاری از بنگاه ها با مشاهده این وضعیت از تولید با هزینه های بالا صرف نظر کرده و ترجیح می دهند همانند سایر قاچاقچیان، با هزینه های کمتر اقدام به واردات کالا نموده و خود را از هزینه های بالای تولید داخلی رها کنند. بنابراین در میان مدت و بلند مدت بسیاری از تولیدکنندگان داخلی از جرگه

تولیدکنندگان جدا شده و با هدف کسب سود بیشتر و رهایی از هزینه‌های بالای تولید اقدام به واردات کالاها از مبادی غیرقانونی و قاچاق می‌نمایند. در بلندمدت بنگاه‌ها از رسالت اصلی خود که همان تولید کالا است جدا شده و به واردکننده کالا تبدیل می‌گردند. با کاهش تولید و در مواردی متوقف شدن تولید، بنگاه‌ها دیگر نیازی به نیروی انسانی همانند گذشته ندارند و به تدریج برای کاهش هر چه بیشتر هزینه‌ها نه تنها اقدام به استخدام کارگر جدید نمی‌کنند بلکه اخراج کارگران نیز در دستور کار آن‌ها قرار می‌گیرد.

طبق تئوری‌های رشد اقتصادی، یکی از نهادهای مهم برای رشد، انباشت سرمایه و سپس سرمایه‌گذاری در اقتصاد است. با مقرون به صرفه بودن فعالیت قاچاق نسبت به تولید داخلی، صاحبان سرمایه در داخل کشور حاضر به سرمایه‌گذاری در تولید نبوده و این امر منجر به خروج سرمایه از جریان تولید می‌گردد. عدم سرمایه‌گذاری و تولید زمینه افزایش بیکاری را فراهم می‌کند.

وضع تعرفه یکی از راه‌های حمایت از صنایع نوپا در اقتصاد است. وقتی قاچاقچیان راه‌های گریز از پرداخت عوارض را شناسایی می‌کنند موجب هر چه ضعیف تر شدن صنایع نوپا می‌گردند و توان رقابت را از آن‌ها می‌گیرند و منجر به شکست تر شدن آنها گردیده و ناگزیر در مواردی به تعطیلی آن‌ها دامن می‌زنند و به تبع آن بیکاری را افزایش می‌دهند.

قاچاق موجب می‌شود که درآمدهای کلان نصیب قاچاقچیان گردد. درآمدهای بالا انگیزه روی آوردن به این فعالیت‌ها را افزایش داده و موجب می‌شود تلاش افراد برای راه‌اندازی کسب و کار جدید و تولید کاهش یابد، این افراد دیگر انگیزه‌ای برای کارآفرینی، نوآوری و ابداع ندارند چرا که راه سهل‌تر را جایگزین آن می‌کنند و به دنبال آن ظرفیت جدید در اقتصاد ایجاد نمی‌گردد و مشکلات بیکاری افزایش می‌یابد.

با توجه به اینکه یکی از اهداف مهم اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و به جای آن افزایش درآمدهای مالیاتی بوده است، پدیده



قاچاق موجب هر چه دورتر شدن از این هدف می‌گردد. قاچاقچیان نه تنها برای واردات و صادرات خود حقی را برای دولت قائل نیستند و عوارضی پرداخت نمی‌کنند بلکه به دلیل ماهیت پنهان فعالیت و درآمدها، امکان اخذ مالیات (مالیات بر درآمد) را هم از دولت سلب می‌کنند. لذا درآمدهای دولت از این ناحیه کاهش می‌یابد. با کاهش درآمدهای دولت آن هم در شرایطی که درآمدهای نفتی نیز کاهش یافته است موجب کاهش مخارج مصرفی دولت و کاهش هزینه های عمرانی می‌گردد که پیامد آن به کاهش سرمایه گذاری، کاهش تولید و افزایش بیکاری منجر می‌گردد.

ماهیت پنهان قاچاق موجب می‌گردد که وضعیت اقتصادی غیرشفاف گردد و دستیابی به آمار و اطلاعات با اختلال مواجه گردد. با توجه به اینکه تصمیم گیری و سیاست گذاری مناسب مستلزم دسترسی به آمار است لذا، سیاست های مالی، پولی و ارزی دچار عدم کارایی می‌گردند و از این رو شاخص های کلان اقتصادی همچون بیکاری نیز متاثر می‌گردند و دست یابی به نرخ بیکاری هدف محقق نمی‌گردد.

با توجه به اینکه یکی از ابعاد مهم امنیت بعد اقتصادی آن است، لذا قاچاق موجب می‌گردد امنیت اقتصادی کاهش یابد. کاهش امنیت اقتصادی خود عاملی اساسی برای کاهش فعالیت های تولیدی و به تبع آن بدتر شدن شاخص های کلان اقتصادی همچون جذب سرمایه گذار خارجی، تورم، رشد اقتصادی، بیکاری و ... است.

پدیده قاچاق موجب می‌گردد که بازار داخلی به سهل الوصول ترین بازار برای کالاهای خارجی تبدیل شود. تسهیل ورود برندهای خارجی در کشور تبلیغی برای برندها و تولیدکنندگان خارجی و راهی برای به فراموشی سپردن برندهای داخلی است. لذا تقاضا برای برندها و تولیدات داخلی کاهش می‌یابد، تولید آنها نیز کاهش یافته و از این مجرا بیکاری افزایش می‌یابد.

قاچاق موجب می‌گردد که بخش قابل توجهی از افراد در بخش خدمات مشغول به فعالیت باشند و همین امر مانع از تمایل و اشتغال افراد به بخش کشاورزی و صنعت می‌گردد. این درحالیست که مسیر توسعه یافتگی به ترتیب از رهگذر بخش کشاورزی،

صنعت و سپس خدمات می‌گذرد. توسعه بخش خدمات موجب کم رفق شدن بخش کشاورزی و صنعت می‌گردد. تولید این بخش‌ها کاهش می‌یابد و شاخص بیکاری متأثر می‌گردد.

کاهش حمایت دولت از صنایع و تولیدات داخلی به دلیل کاهش منابع درآمدی دولت (عدم پرداخت حق دولت توسط قاچاقچیان) سبب ورشکستی تولید کنندگان و تعطیلی کارخانه‌ها می‌شود. همین امر موجب اخراج کارگران و تشدید بیکاری می‌گردد. با توجه به تمام موارد ذکر شده می‌توان گفت که ایجاد و گسترش قاچاق موجب کاهش تولید می‌گردد، با کاهش تولید امکان رشد اقتصادی و به تبع آن توسعه اقتصادی محقق نمی‌گردد و در اقتصادی که امکان رشد و توسعه ندارد، بیکاری نیز افزایش یافته و کاهش نمی‌یابد.

تبیین اثرات مستقیم و غیر مستقیم قاچاق بر بیکاری، بیانگر این واقعیت است که هر چند در فاز اول اثرگذاری قاچاق، بیکاری کاهش می‌یابد اما اثرات غیرمستقیم قاچاق بر بیکاری به قدری قدرتمند است که اثر مستقیم را خنثی می‌کند و از طریق کاهش تولید و افزایش بیکاری و ایجاد دور باطل در اقتصاد، در نهایت منجر به کاهش رفاه اجتماعی می‌گردد. با توجه به شرایط خاص بازار کار و بالا بودن نرخ بیکاری در ایران، قاچاق می‌تواند تبعات شدیدتری را بر این بازار داشته باشد.

۷. رابطه علت و معلولی قاچاق و بیکاری

برخی از اقتصاددانان معتقدند ارتباط میان قاچاق (تجارت غیر رسمی) و اشتغال رسمی در فعالیت‌های اقتصادی رابطه‌ای دو سویه است، به این معنی که در صورت نبود فرصت‌های شغلی رسمی، گرایش به فعالیت‌های غیررسمی و قاچاق افزایش می‌یابد و برعکس. هر چند موضوع این مطالعه بررسی اثر قاچاق بر بیکاری است، اما در ادامه نگاهی کوتاه بر تاثیر نرخ بیکاری بر اقتصاد زیرزمینی (قاچاق) خواهیم داشت.



۷.۱. تأثیر نرخ بیکاری بر اقتصاد زیرزمینی (قاچاق)

بررسی دامنه بیکاری و عواقب آن از ابعاد گسترده ای برخوردار است و ادبیات وسیعی را به خود اختصاص داده است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که پوشش تامین اجتماعی و اشتغال کافی نیست، کار و دستیابی به شغل برای قشرهای وسیعی از مردم بدون سرمایه، گذشته از منزلت اجتماعی، به منزله حق حیات و رهایی از زندگی سربارگونه است. در اقتصاد توسعه، بیکاری همواره دلیلی برای فقر و فقر هم علت ناهنجاری ها و ناسازگاری هایی نظیر اعتیاد، فحشا، دزدی و سایر انحرافات اجتماعی است. برخی معتقدند که از دیگر آثار بیکاری، افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی (قاچاق) است.

تانزی (۱۹۹۹:۳۴۷-۳۳۸) اشاره می کند که " ادبیات موجود رابطه بین قاچاق و بیکاری را به خوبی مشخص نمی کند، اگرچه وجود فعالیت های زیرزمینی گسترده بیانگر لزوم نگاه عمیق تر به اتفاقات بازار کار است ". تانزی معتقد است که رابطه بین نرخ بیکاری و اقتصاد زیرزمینی مبهم است و نظریه اقتصادی نمی تواند به طور قاطع، جهت رابطه نرخ بیکاری و اقتصاد زیرزمینی را تعیین کند. از این رو علامت این متغیر با تفاوت تحلیل تجربی در هر کشوری می تواند متفاوت باشد (تانزی). گیلز و تدز (۲۰۰۲)، چنین استدلال می کنند که افزایش تعداد افراد بیکار در بخش رسمی، تعداد افراد مشغول به کار در اقتصاد زیرزمینی را افزایش می دهد، به این دلیل که آن ها زمان فراغت بیشتری در اختیار دارند و سعی در استفاده از آن دارند. از سویی دیگر، بر اساس این دیدگاه، افزایش در بیکاری می تواند کاهش در اقتصاد زیرزمینی را منجر شود. آن ها رابطه معکوس میان اقتصاد زیرزمینی و نرخ بیکاری را با استفاده از قانون اوکان که توسط اوکان (۱۹۶۲:۱۰۳-۹۸) توسعه یافته است، تفسیر کردند. بر اساس این قانون، بین رشد اقتصادی و نرخ بیکاری ارتباط معکوسی وجود دارد. این دو پژوهشگر بیان می کنند که با توجه به قانون اوکان، با وقوع رکود، نرخ بیکاری افزایش می یابد. همچنین، رکود علاوه بر کاهش دادن تقاضا برای نیروی کار در بخش رسمی

تقاضا برای نیروی کار در بخش زیرزمینی را نیز کاهش می‌دهد، زیرا از دید آن‌ها کاهش رشد اقتصادی کاهش فعالیت‌های زیرزمینی را نیز منجر می‌شود. البته بایستی در نظر داشت که ارتباط بین رشد اقتصادی و اقتصاد زیرزمینی خود مفهومی مبهم است، از نظر گیلز و تدز (۲۰۰۲)، بین اقتصاد رسمی و اقتصاد زیرزمینی رابطه‌ای در جهت ادوار تجاری وجود دارد. به عنوان یک نتیجه، می‌توان گفت که اثر بیکاری بر اقتصاد زیرزمینی در کشورهای مختلف متفاوت است و به سطح توسعه کشورها بستگی دارد. این همبستگی مبهم، توسط تانزی (۱۹۹۹) نیز بیان شده است. وی دلیل مبهم بودن این ارتباط را وجود طبقه‌ای ناهمگون از نیروی کار در اقتصاد زیرزمینی می‌داند که شامل افراد بیکار شده، اشخاص بازنشسته، مهاجران غیرقانونی، زنان خانه دار، افراد زیر سن قانونی و آن دسته از کارگران و کارمندانی که در هر دو بخش رسمی و زیرزمینی کار می‌کنند، هستند. این بدان معنا است که به عنوان مثال، اگرچه ممکن است نرخ بیکاری به دلیلی کاهش یابد، اما وجود این افراد که در بخش رسمی جزء آمار بیکاری محسوب نشده‌اند، به افزایش اقتصاد زیرزمینی کمک کرده‌اند. از دیگر تئوری‌های ارزشمند موجود در این زمینه، می‌توان به مطالعه بوهن و اشنايدر (۲۰۱۰: ۱۷۱-۱۳۹) اشاره کرد. این دو پژوهشگر نیز به اثر مبهم بیکاری بر اقتصاد زیرزمینی معتقد هستند. بر اساس نظر آن‌ها با بیکار شدن افراد و از دست دادن درآمد، تقاضا برای کالاها و خدمات در هر دو بخش رسمی و زیرزمینی و در نتیجه روی آوردن به بخش زیرزمینی کاهش می‌یابد، این همان اثر درآمدی در اقتصاد است. از طرف دیگر در همان زمان، افراد به منظور تامین نیازهای خود ممکن است که به اقتصاد زیرزمینی روی بیاورند و در نتیجه تقاضا برای کالاها و خدمات بخش زیرزمینی جایگزین تقاضا در بخش رسمی شود، چرا که در اقتصاد زیرزمینی قیمت‌ها و هزینه‌ها به طور قابل توجهی پایین‌تر از بخش رسمی است. بنابراین در دوره کاهش درآمد ورود به اقتصاد زیرزمینی مقرون به صرفه است. این همان اثر جانشینی در اقتصاد است. چنانچه اثر درآمدی بیشتر از اثر جانشینی باشد، رابطه بین اقتصاد

زیرزمینی و نرخ بیکاری منفی است و در صورتی که اثر جانشینی بیشتر از اثر درآمدی باشد رابطه ای مثبت بین این دو متغیر وجود دارد. علاوه بر این، بوهن و اشنایدر (۲۰۱۰: ۱۷۱-۱۳۹) معتقدند که اثر مبهم نرخ بیکاری بر اقتصاد زیرزمینی نه تنها به خاطر وجود نیروهای مخالف اثرات جانشینی و درآمدی است، بلکه ناشی از اثرات طرف عرضه نیز هست. آن‌ها معتقدند اثر نرخ بیکاری به این بستگی دارد که کارگران بخش زیرزمینی، در آمار مربوط به بخش رسمی به عنوان افراد بیکار در نظر گرفته شده اند یا خیر؟

۸. راهکارها و راهبردهای عملیاتی

با وجودی که طی دهه های گذشته از درآمدهای فراوان نفت بهره مند بوده ایم اما سرمایه های فیزیکی و زیرساخت ها از وضعیت خوبی برخوردار نیستند، علی رغم اینکه در مواردی کمبود نقدینگی را مسبب کاهش تولید و کاهش رشد اقتصادی قلمداد کرده ایم اما با نرخ رشد نقدینگی بالا نیز نتوانستیم جان تازه ای به تولید ببخشیم، هرچند نیروی کار جوان و تحصیل کرده داریم و هر روز بر تعداد تحصیل کردگان افزوده می شود اما نتوانستیم ارتباط میان نیاز بازار کار و صنعت را با دانشگاه ها برقرار کنیم، لذا بخش قابل توجهی از جوانان تحصیل کرده بیکار هستند، نهادهای قانونی، حقوقی و فرهنگی لازم برای رشد اقتصادی در کشور وجود ندارد، سرمایه های اجتماعی و انسانی کارا و ماهر لازم برای رشد مستمر با کمبود مواجه است، فرهنگ کار در کشور رو به ضعف گذارده است و همه ی این عوامل دست به دست هم داده است و خود شرایطی را مهیا کرده است تا اکنون بخش نامولد، غیر رسمی و به بیان واضح تر "قاچاق" بر اقتصاد سیطره پیدا کند و تخصیص منابع را تحت تاثیر قرار دهد و چنین وضعیتی از بیکاری، رشد و رفاه را برای کشور به ارمغان بیاورد. قطعاً برای دستیابی به کاهش قاچاق، کاهش بیکاری و رشد پایدار و مستمر باید اقتصاد را به سمت یک اقتصاد متعادل و سالم سوق دهیم و اگر تا کنون با منابع و

عواملی که در اختیار داشتیم نتوانستیم به چنین اقتصادی دست یابیم راه حل مشکلات را ابتدا باید در علم اقتصاد و تئوری های اقتصاد جستجو کنیم و نه در سیاست و یا علوم دیگر. چرا که هر راهبرد عملیاتی در اقتصاد باید متکی بر راهکاری باشد که تئوری اقتصادی مرتبط با آن تبیین شده است. بارها راهکار عملیاتی کاهش قاچاق را عنوان کرده ایم غافل از اینکه اقتصاد یک سیستم است و کنش و واکنش اجزای سیستم می تواند موفقیت و شکست سیستم را ایجاد نماید و چنانچه بستر مناسب برای عملکرد اجزای سیستم مهیا نباشد هیچ یک از راهکارها و راهبردها موثر نخواهد بود. به عبارت دیگر وقتی نهادهای اقتصادی که عملکرد نظام اقتصادی مبتنی بر آنهاست و می توانند بستر مناسب برای اجرای سیاست ها را فراهم کنند، هنوز به درستی تشکیل نشده و تکامل نیافته است، تبیین شعارگونه و انتزاعی راهکارها موثر نخواهد بود (به عنوان مثال نظریه مقداری پول راهکار کنترل و کاهش تورم را تمرکز بر حجم پول می داند و راهبرد عملیاتی آن را نیز انضباط پولی معرفی می کند).

اگر می خواهیم اثر قاچاق بر بیکاری را کاهش دهیم، قطعاً باید زمینه انجام فعالیت های زیرزمینی و قاچاق را کم کنیم چرا که بیکاری یکی از پیامدهای قطعی اقتصاد زیرزمینی و قاچاق است.

پیشنهاد های مطالعه پیش رو برای کاهش فعالیت قاچاق و کم کردن سهم آن در تولید ناخالص داخلی به صورت راهکارها و راهبردهای عملیاتی ذیل ارائه می گردد.

راهکار ۱: توجه و تمرکز بر نهادها در اقتصاد (نهادگرایان جدید)

راهبردها:

- تشکیل و تکامل نهادهای اقتصادی
- تغییر و تعدیل در قوانین بازار کار
- اصلاح در قوانین مالیاتی
- تعدیل در تعداد و پیچیدگی قوانین گمرکی و بهبود فرآیندهای گمرکی
- تعدیل قوانین تعرفه ای (قاچاق عمدتاً در شرایطی شکل می گیرد که در پوشش

حمایت از تولید داخلی تعرفه را افزایش داده ایم)

- کاهش تعداد قوانین، مقررات و مدت زمان راه اندازی کسب و کارهای جدید
- کاهش تعداد و تعارض قوانین و مقررات حوزه تجارت خارجی
- کاهش تعداد سازمان ها و دستگاه های ذی نفع و دخیل در تجارت رسمی
- ایجاد قوانینی که بتوانند انگیزه بازرگانان به واردات قانونی را تقویت کند.
- بازننگری در قوانین و مقررات موجود در رابطه با صادرات و واردات و حقوق گمرکی و سود بازرگانی متعلق به ورود کالاها
- تسهیل هر چه بیشتر در روند امور اجرایی واردات و صادرات قانونی کالا و کاهش تشریفات اداری آن (به ویژه تشریفات غیر ضروری)، زیرا هر چه تسهیلات بیشتری جهت تجارت قانونی در نظر گرفته شود، از میزان قاچاق کالا کاسته خواهد شد.
- اتخاذ سیاستهای مناسب جهت کنترل هر چه بیشتر مرزهای باز کشور جهت جلوگیری از ورود و تخلیه قاچاق به مناطق مرزی
- ایجاد قوانین سخت و پرهزینه برای مجرمان اقتصادی (قاچاقچیان)
- قوانین وارداتی، صادراتی، مالیاتی و گمرکی همپای قوانین کیفری باشند و با یکدیگر همخوانی داشته باشند.

راهکار ۲: باور به این مهم و حرکت در این جهت که راه حل بسیاری از مشکلات اقتصادی دستیابی به اقتصاد آزاد و اقتصاد شفاف است.

راهبردها:

- اجتناب از قیمت گذاری و سرکوب مالی در اقتصاد
- افزایش شفافیت در کل اقتصاد به خصوص شفافیت در گردش کالا و گردش پول
- ممانعت از ایجاد انحصار و تشویق رقابت در فعالیت های اقتصادی
- کاهش و حذف نقش تصدی گری دولت از طریق افزایش سهم بخش خصوصی

- ممانعت از پرداخت غیرهدفمند یارانه ها با هدف حمایت از مصرف کننده و تولیدکننده

- حرکت به سمت آزادسازی واردات و صادرات از طریق مدیریت صحیح
- تمام معاملات در اقتصاد به سیستم بانکی منتقل شود و از این طریق شفاف گردد.
- تمام معاملات به صورت سیستماتیک انجام شود و همگی دارای شناسنامه بوده و هر خرید و فروشی مستند به فاکتور باشد.

راهکار ۳: توجه به اقتصاد کلان و سیاست های پیشنهادی توسط تئوری های

اقتصادی

راهبردها:

- اقتصاد کلان فقط به بحث ها و نظریه های دانشگاهی محدود نمی شود، امروزه موضوع هایی همچون تجارت آزاد، توجه به بازاریابی و جذب مشتری، به عنوان یکی از عوامل موثر در رشد و توسعه اقتصادی مطرح هستند. بر این اساس داد و ستد در عرصه بین المللی یکی از مهمترین سیاست های کلان اقتصادی را تشکیل می دهند. بنابراین، با اطمینان می توان گفت اکثر کشورهایی که با پدیده "اقتصاد پنهان، اقتصاد سایه و قاچاق" مواجه هستند، جنبه های بسیاری از حل مشکلات خود را، از طریق "اصلاح سیاست های اقتصادی" امکان پذیر می دانند. به عبارت دیگر بهره مندی از رویکرد اقتصاد کلان، عملاً راهکاری موفقیت آمیز خواهد بود.

- سیاست های اقتصادی ما باید در خدمت مبارزه با قاچاق باشد.

راهکار ۴: ما باید به طور سیستماتیک از الگوهای موفق در دنیا، در خصوص

مبارزه با قاچاق تقلید کنیم.

راهبرد:

- انجام مطالعات تطبیقی و کاربردی و پیاده سازی و بومی سازی الگوهای به

کارگرفته شده توسط کشورهایی که در مهار قاچاق موفق عمل کرده اند.

۹. نتیجه‌گیری

این مطالعه به بررسی اثرات قاچاق بر بیکاری پرداخت و نشان داد که پدیده قاچاق به عنوان پیامد سیاست های اقتصادی و نه یک پدیده خارجی، می‌تواند یکی از مهمترین حوزه ها یعنی اقتصاد را متأثر نماید. یکی از مهمترین اثرات قاچاق در حوزه اقتصاد، افزایش نرخ بیکاری است. با توجه به رکود اقتصادی، شرایط موجود در بازار کار در ایران، نرخ بالای مشارکت اقتصادی و نرخ بالای بیکاری انتظار می‌رود اثرات مخرب قاچاق بیش از گذشته و شرایط معمول اقتصادی، بتواند بازار کار را تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل راهکارها و راهبردهایی جهت کاهش حجم فعالیت قاچاق و به تبع آن کاهش نرخ بیکاری ارائه گردید. نکته قابل توجه این است که جرم قاچاق پدیده ای ماهیتا اقتصادی است که نتیجه ی جریان اقتصادی است و این درحالیست که دولت ها همواره به عنوان بزه به آن نگاه می‌کنند و به جای مبارزه با علت، سال هاست که مشغول مبارزه با معلول شده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

کتب

- تقضلی، فریدون، (۱۳۸۵). "تاریخ عقاید اقتصادی"، نشر نی.
- رودیگر دورنبوش، استانلی فیشر؛ مترجم تیزهوش تابان، محمد حسین، (۱۳۷۲)، "اقتصاد کلان"، انتشارات سروش.
- شاکری، عباس، (۱۳۸۷). "اقتصاد کلان"، انتشارات پارس نویسا.

مقالات

- اخباری، محمد و مهدیه، (۱۳۹۰). "کاربرد رویکرد منطق فازی در مدلسازی اقتصاد غیررسمی در ایران"، روند پژوهش های اقتصادی، شماره ۵۹.
- انتشارات روزنامه رسمی ج.ا.ا، (۱۳۹۳). "قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز".
- پثویان، جمشید و مداح، مجید. (۱۳۸۹). "بررسی اقتصادی قاچاق در ایران"، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۰.
- حسونند، سمیه و زراء نژاد، منصور و منتظر حجت، امیرحسین، (۱۳۹۵). "تحلیل تاثیر نرخ بیکاری بر اقتصاد سایه در کشورهای در حال توسعه منتخب"، پژوهش هاس رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۲۲.
- رحمانی، ژاله، (۱۳۹۰). "بررسی عوامل موثر بر قاچاق کالا و ارز و تاثیر آن بر اقتصاد ملی".
- رستمی، راحیل (۱۳۹۱). "تعیین حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران طی سال های ۱۳۸۷-۱۳۵۰".
- سامتی، مرتضی، (۱۳۸۸). "تاثیر نرخ مشارکت و نرخ بیکاری بر اقتصاد زیرزمینی در کشورهای oecd". فصلنامه اقتصاد مقداری.
- ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، (۱۳۹۴). "تبلیغات هوشمندانه در مبارزه با قاچاق کالا و ارز".
- غفاری، فرهاد و علیزاده، هانیه، (۱۳۹۲). "برآورد اندازه اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی عوامل موثر بر آن"، اقتصاد مالی و توسعه، شماره ۲۵.
- فصلنامه تجارت فردا، ۱۳۹۵.
- گزارش سازمان بین المللی کار، ۲۰۱۵.

- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۳). "تحولات بازار کار و نیروی انسانی".
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۴). "چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۳۹۴".
- نوری، جعفر، (۱۳۸۲). "گسترش قاچاق در بستر نابسامان و سیاست جنایی مقابله با آن"، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۰، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- Becker, Gary."crime and punishment. An economic approach". JOURNAL OF ECONOMEY, VOL.76.2 (1968)
- Deflem, m and henry-turner, k, (2001) smuggling. in: luckenbill, d., peck, d. l. (eds), encyclopedia of criminology and deviant behavior. Brunner-rutlege, Philadelphia, pa, pp.473-475.
- Frey. B. & Weck. H., The hidden economy as an unobserved variable , European economic review, 1983, pp33.
- Giles, d. e. tedds, l. m. & werkneh, g. (2002). "The Canadian underground and measured economies: granger causality result". applied economics , 34(18), 2347-2352.
- Giles, D. E. A. & Tedds, l. m. (2002). "taxes and the Canadian underground economy". canadian tax paper, (106), Canadian tax foundation, Toronto, Canada.
- Merriman, d, (2003) understanding, measure, and combat tobacco smuggling. toolkit no.7. world bank. available at: <http://www.worldbank.org/tobacco/pdf/smuggling.pdf> (access: 06.02.09)
- Okun, a. m. (1962). "potential gnp: its measurement and significance, proceedings of the business and economics section". American statistical association, Washington d. c., usa, 98-103
- Pedersen, s. (2003). "The shadow economy in germany, great Britain and Scandinavia: a measurement based on questionnaire surveys". (vol. 10). Rockwool foundation research unit
- Schneider, f. (2004). "shadow economies around the world: what do we know? Center for economic: studies and ifo institute for economic research", iza discussion paper (1043). cesifo working paper series (1167) working paper series, 1-58.
- Schneider, f., buehn, a. & Montenegro, c. e. (2010). "New estimates for the shadow economies all over the world". International economic journal , 24(4), 443-461
- Schneider, f., buehn, a. & montenegro, c. e. (2010). "new estimates for the shadow economies all over the world". international economic journal, 21(4), 443-461
- Tanzi, v. (1999). "uses and abuses of estimates of the underground economy".
- Thomas, jim j. (1992). "informal economic activity". Lse, handbook in economics.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی